



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۶/۲۲

محمد مُجق

جامعه و اعظ پرور

در جوامعی که فرهنگ کتابخوانی و کتابنویسی رشد نکرده است فرهنگ شفاهی رشد می‌کند و مردم با گوش دادن به سخنان واعظان، رمالان، فال‌بینان، افسانه‌سرایان، و شعبده‌بازان وقت خود را پر می‌کنند و بخشی از آگاهی عمومی از این راه شکل می‌گیرد. در جوامع مدرن، برای کسانی که وقت یا حوصله کتاب خواندن ندارند، کتاب‌ها را تبدیل به فلیمنامه، نمایشنامه، و فراورده‌های هنری دیگری می‌کنند که سبب جذب مخاطب شود، اما درون‌مایه آن‌ها مانند کتاب‌های پخته و استوار است که به داده‌ها و مطالعات تخصصی تکیه دارد و کسانی که به این هنرها روی می‌آورند دانش تخصصی در این باب دارند.

در افغانستان، علی‌رغم راه یافتن تلویزیون و ابزارهای دیجیتال به زندگی مردم، اما هنوز فرهنگ کتابخوانی و بها دادن به کار هنری پا نگرفته است و مردم هنوز برای فهم ارزش‌های زندگی و یادگیری سبک زیست خود به واعظان گوش می‌سپارند. واعظان سرزمین ما عادت کرده‌اند که همیشه یکطرفه سخن بگویند، و جایی برای شنیدن و گفتگوی دوجانبه در کارشان وجود ندارد. لحنی که برای ارائه دیدگاه‌های خود بر می‌گزینند لحنی قاطع و جزم اندیشانه است و غرور دانایی کاذب در آن موج می‌زند به گونه‌ای که گویا در آن جمع هیچ کس داناتر از آنان نیست و از این رو حق دارند که به عنوان یگانه مرجعیت معتبر و با صلاحیت نظر بدهند. از آن خطرناکتر این است که هر چه می‌گویند از آدرس خدا و پیامبر می‌گویند، بدون این‌که میان امر منصوص و غیر منصوص فرق بگذارند، یا قطعی الدلالة را از ظنی الدلالة تفکیک کنند و یا تفاوت قطعی الثبوت و ظنی الثبوت را بفهمند و یا امور اختلافی را از امور محل اتفاق بازشناسند. بسیاری از آنان نه از تاریخ چیزی می‌دانند و نه از تاثیر تحولات تاریخی بر پیدایش نظریات فقهی و کلامی و تفاسیری که از گزاره‌های دینی ارائه شده است، و در نتیجه ذهنیتی را پدید می‌آورند که از درک و دریافت تاریخی عاجز و از فهم واقعیت‌ها ناتوان است.

در دوران پیشامدرن، در روزگاری که به نام قرون وسطی می‌شناسیم، این پدیده در اکثریت جوامع دنیا رایج بود و اکثریت مردم که فاقد سواد و دانش اولیه بودند در زمینه‌های مختلف به سراغ کشیشیان و واعظان و راهبان می‌رفتند تا از آنان چیزی بیاموزند. اما از زمانی که سواد و دانش عمومیت یافته و امکانات فراگیری تخصص‌های مختلف برای بسیاری از آحاد جامعه فراهم شده است در اکثریت دنیا مجاری جدیدی برای توزیع معرفت پدید آمده و نظام دانایی شکل و شمایل نوینی پیدا کرده است. از این رو امروزه کتاب، داستان‌های ادبی، شعر، فیلم، موسیقی، به اضافه تخصص‌های اکادمیک در رشته‌های مختلف منبع اساسی آگاهی را تشکیل می‌دهد و زندگی عمومی بر این پایه سامان می‌گیرد.

یکی از عواملی که افغانستان همچنان در عقیماندگی بسر می‌برد غلبه فرهنگ شفاهی بر فرهنگ کتابی، گوش دادن به واعظان عامه‌پسند به جای شنیدن برنامه‌های علمی، و تولید مبلغان احساساتی به جای پژوهشگران و دانشمندان است. البته نقش واعظان در ترویج خرافه و ریاکاری و پاره‌ای از ردایل اخلاقی از امروز مورد نقد نیست، بلکه در ادبیات کهن ما، بزرگانی مانند حافظ و مولانا و دیگران از قدیم به این آفت‌ها اشارات متعددی داشته‌اند، اما در عصر مدرن که جایگزین‌های بهتری وجود دارد، رفتن به دنبال واعظان آفات دو چندان در پی می‌آورد. جامعه‌ای که به جای دانشمندان پروری به واعظپروری روی آورد و بازار عوام‌فروشی را پیوسته گرم بدارد، محکوم به عقیماندگی مزمین و بحران‌های مستمر است. جامعه‌ای که پیوسته گوش به داد و فریاد احساساتی واعظان می‌دهد به جامعه‌ای طالب‌پرور تبدیل می‌شود. افغانستان و پاکستان بارزترین نمونه از این دسته جوامعند.

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي